

## موضوع ۱۱

## دعا برای یکدیگر

کتابها و مقالات زیادی درباره دعای شخصی و فردی نوشته شده‌اند، لیکن در این موضوع تمرکز ما بر اهمیت دعای دستجمعی خواهد بود. عهد جدید ما را بیشتر به دعای دستجمعی تعلیم می‌دهد و میزان تعالیم آن در این مورد به مراتب بیشتر از دعای فردی است. در همانحال که داشتن دعا‌های فردی از ما انتظار می‌رود، لیکن ما در بدن مسیح گذاشته شده‌ایم که برای یکدیگر دعا کنیم. در این موضوع، ما:

- اهمیت دعا به جهت همدیگر را مورد بررسی قرار خواهیم داد.
- اولویت بالای دعا با دیگر مسیحیان را نشان خواهیم داد
- دعا‌هایی را که با دیگران و برای دیگران داریم، ارزیابی خواهیم کرد

## هفتم موضوع

از آنجا که دعا برای مسیحیان طریقی به جهت زندگی باید باشد، این انضباط حیاتی را در زندگی خود چگونه می‌خواهید ایجاد و آن را ابقا نمایید؟ از آنجا که دعا تعهد اصلی یک کلیسای محلی است، نقش شما در تبدیل کلیسای خود به یک کلیسای دعا کننده چیست؟ چگونه می‌توانید در دعا بیشتر دیسپلین داشته باشید؟

**کوچک ولی مقوی** (علت گنجاندن بیانات زیر در این بخش از آن جهت است که شما را در رابطه با موضوع به تفکر وادارد. این بیانات ممکن است با حکمت کلام خدا منطبق باشند و یا نباشند.)

«زمانی که کار می‌کنیم، ما کار می‌کنیم. زمانی که دعا می‌کنیم، خدا کار می‌کند.»

«سالها میزان اطلاعاتی که در رابطه با دعا داشتیم، بیشتر از خود دعای عملی من بود.»

«بندرت در دعا از خدا تغییر شخصیت می‌طلبیم. دعا‌های ما بیشتر معطوف به تغییر وضعیت است.»

«دعا قوت، توان، آرامش و هدف در زندگی ایجاد می‌کند.»

«چنان دعا کنید که گویی همه چیز به خدا وابسته است. چنان کار کنید که انگار همه چیز به شما وابسته است.» آگوستین

«حال بیایید برای داشتن اقبال خوب دعا کنیم.» از یک برنامه رادیویی

## نمونه به جهت مطالعه

### حامد

چند هفته پیش حامد به موعظه‌ای گوش می‌کرد و در آن شبان از کلیسا دعوت می‌کرد که «کلیسای دعا کننده» باشند. از آن روز سه هفته می‌گذرد و برای حامد دشوار جلوه می‌کند که در جلسات دعایی که کلیسا سازماندهی کرده است، شرکت کند. اولین مبارزه او در همان دوشنبه‌ای صورت گرفت که در روز قبل از آن موعظه «کلیسای دعا کننده» را شنیده بود. خود همین فکر که باید صبح زود از خواب برخیزد و چهل و پنج دقیقه رانندگی کند تا به جلسه دعای ۶ صبح برسد، کافی بود که او را در رختخواب نگه دارد.

احساس خطایی که در این مورد به جان حامد افتاده بود، هنوز تخفیف نیافته بود که یکی از دوستان به او گفت: «در جلسه دعا جای تو واقعا خالی بود.» یکشنبه هفته بعد، حامد متوجه شد که همان شب در کلیسا جلسه دعا برقرار است، ولی او با دو نفر از دوستان غیرکلیسایی خود قرار داشت که باهم به تماشای فوتبال بنشینند. از آنجا که این قرار را از دو ماه پیش گذاشته بودند، در انجام آن احساس اجبار می‌کرد.

در این سناریو چه می‌گذرد؟ برای حامد چه پندی دارید؟

سوال و یا موضوع اصلی مطرح برای ما چیست؟

## مطالعه کتابمقدس

### کولسیان ۴: ۲ - ۶

در دعا مواظب باشید و در آن با شکرگزاری بیدار باشید. و درباره ما نیز دعا کنید که خدا در کلام را به روی ما بگشاید تا سر مسیح را که بجهت آن در قید هم افتاده‌ام بگویم، و آن را بطوری که می‌باید تکلم کنم و مبین سازم. زمان را دریافته، پیش اهل خارج به حکمت رفتار کنید. گفتگوی شما همیشه با فیض باشد و اصلاح شده به نمک، تا بدانید هر کس را چگونه جواب باید داد.

پولس به مخاطبین خود پند می‌دهد که افرادی دعا کننده باشند (آیه ۲). در این زمان خود او در زندان به سر می‌برد و از آنها می‌خواهد که برای آزادی او نیز دعا کنند. می‌گوید: «... درباره ما نیز دعا کنید...» تمام فکر و ذکر پولس در این بود که او و دوستانش فرصت بشارت را داشته باشند (آیه ۳) و قادر باشند که کلام را به وضوح تعلیم دهند. در آیات ۵ و ۶، پولس به همان موضوع بشارت بی‌ایمانان ادامه می‌دهد.

«در دعا بیدار بودن» چه ربطی به «مواظب بودن» در دارد؟ (آیه ۲)

بر اساس این آیات، دعا در امر بشارت چه نقشی بازی می‌کند؟

### افسیسیان ۳: ۱۴: ۲۱

از این سبب، زانو می‌زنم نزد آن پدر، که از او هر خانواده‌ای در آسمان و بر زمین مسمی می‌شود؛ که بحسب دولت جلال خود به شما عطا کند که در انسانیت باطنی خود از روح او به قوت زورآور شوید، تا مسیح به وساطت ایمان در دل‌های شما ساکن شود؛ و در محبت ریشه کرده و بنیاد نهاده، استطاعت یابید که با تمامی مقدسین ادراک کنید که عرض و طول و عمق و بلندی چیست؛ و عارف شوید به محبت مسیح که فوق از معرفت است تا پر شوید تا تمامی پری خدا. الحال او را که قادر است که بکند بینهایت زیاده‌تر از هر آنچه بخواهیم یا فکر کنیم، بحسب آن

قوتی که در ما عمل می‌کند، مر او را در کلیسا و در مسیح عیسی تا جمیع قرن‌ها تا ابدالابد جلال باد. آمین.

پولس در افسسیان ۳: ۱ دوباره به همین مطلب برمی‌گردد و سخن را با یک دعا ادامه می‌دهد. او برای افسسیان دعا می‌کند (آیات ۱۶ - ۱۹) و سپس به حضور خدا شکرگزاری و تمجید تقدیم می‌کند (آیات ۲۰ - ۲۱). ببینید که پولس چگونه با توصیف خدا شروع می‌کند (آیات ۱۴ و ۱۵) و سپس برای دو مطلب اصلی دعا می‌کند: اینکه از قدرت خدا که به توسط روح القدس در وجود آنها فرو می‌ریزد، قوت یابند (آیات ۱۶ و ۱۷) و به جهت درک طول و عرض و عمق و بلندی محبت مسیح قدرت داشته باشند (آیات ۱۷ - ۱۹).

در رابطه با دعا برای دیگران، این دعا چه چیزی به ما می‌آموزد؟

چه فواید و مزیت‌هایی دارد که برای دیگر مسیحیان در کلیسا از این نوع دعاها به حضور خدا تقدیم داریم؟

## دیگر منابع

«رونندی پایدار» به قلم جین گتز

فصل سوم از کتاب دعا برای یکدیگر

«دعا برای دیگران» به قلم دی. آ. کارسون

بخشی از فصل چهارم کتاب «دعوتی برای تجدید حیات روحانی»

## روندی پایدار

از کتاب دعا برای یکدیگر به قلم جین گنز

بسیاری از ما با داستانهای مردان و زنان بزرگ خدا تحت تأثیر قرار گرفته‌ایم، افرادی که خداوند آنها را به طرقي مخصوص جهت انجام کار خود به کار برده است. چنانکه می‌بینیم، یکی از رازهای اصلی زندگی آنها، زمانی بوده است که این افراد به دعا اختصاص می‌دادند. به عنوان مثال، «سموئیل راترفورد» شبان و تئولوژین معروف اسکاتلند که کارهایی بزرگ برای مسیح انجام داد، جهت گفتگو با خدا هر روز ساعت ۳ صبح از خواب بیدار می‌شد. «جان ولش» که خدا او را جهت بیداری و تجدید روحانی افراد مردم بکار گرفت و قلوب هزاران نفر را از محبت خدا پر کرد، روزی چنین گفت: «روز او به درستی سپری نشده بود، اگر ۸ تا ۱۰ ساعت در خلوت در حضور خدا نمی‌بودم.»

اسقف «اندروز»، مبشر بزرگ در هندوستان نیز هر روز بیش از ۵ ساعت در دعا و مطالعه کلام می‌گذرانید. «مارتین لوتر» روزی چنین گفت: «اگر هر روز در دعا دو ساعت وقت نگذرانم، پیروزی در آن روز نصیب ابلیس خواهد شد.»

زمانی که مسیحی جوانی بودم، داستانهای این افراد مرا هم تحت تأثیر قرار می‌داد و هم مأیوسم می‌کرد. سرسپردگی آنها به عیسی مسیح و میزان وقتی که در حضور خدا می‌گذرانیدند، مرا تحت تأثیر قرار می‌داد. ولی در عین حال همین میزان وقت آنها در دعا باعث می‌شد که میزان وقت من به دعا بسیار ناچیز جلوه کند و خود این مطلب مرا بسیار دلسرد می‌کرد. فکر نمی‌کردم که خدا روزی مرا هم به کار خواهد برد.

مطمئنم که این تجربه من امری غیرطبیعی و ناآشنا نیست. نقشه خدا برای مسیحیان چیست؟ در دعا چقدر از ما وقت می‌طلبد؟ برای جواب به این سوالات باید هم به دعای مسیحیان عهد جدید نگاه کنیم و هم به دستوراتی که در این زمینه به آنها داده شد.

از اعمال ۱: ۱۴ به خوبی معلوم است که دعا برای این مسیحیان عهد جدید در اولویت قرار داشته است. در اولویت قرار دادن دعا اساساً بخاطر این حقیقت بود که دعا امتیاز جدید و بی‌همتایی به شمار می‌رفت. با مرگ، رستاخیز و صعود مسیح، خدا طریقی مستقیم به حضور تخت خود باز کرد و اینکار با قربانی کامل و یکبار برای همیشه عیسی مسیح صورت گرفت.

ولی در رابطه با دعا و جای آن در زندگی این افراد، آیه فوق مطالب بیشتری نمایان می‌سازد. دعا برای آنها روند هم بود. لغت‌نامه روانه را چنین تعریف می‌کند: «عمل مداوم». و به درستی هم زندگی در دعای این مسیحیان اورشلیم را توصیف می‌کند. در مورد آنها می‌خوانیم که «به یکدل

در عبادت و دعا مواظب می‌بودند.» که اگر بخواهیم به شکلی سلیس ترجمه کنیم، «زندگی خود را دائما به دعا تخصیص می‌دادند.» ایده اصلی این قسمت از متن در زبان یونانی بر این مطلب استوار است که آنها «با پایداری در دعا ادامه می‌دادند.» آنچه که در این قسمت مشاهده می‌کنیم، در مورد دعا در زندگی ما چه مطلبی بیان می‌دارد؟ ما چه می‌توانیم و باید از آن یاد بگیریم؟

## آزپه که نمی‌گوید

برای کشف آنچه که این نمونه از کتابمقدس به ما می‌گوید، بیایید اول به آنچه که نمی‌گوید، نگاه کنیم.

**کتابمقدس تعلیم نمی‌دهد که تنها عملکرد مسیحیان به شکل مداوم باید وقت گذاشتن به دعا باشد.**

دعا تنها یکی از چند تجربه روزانه‌ای بود که مسیحیان اورشلیم به عنوان یک بدن با هم انجام می‌دادند. لوقا در ثبت تاریخ کلیسا در کتاب اعمال این مطلب را به خوبی آشکار می‌کند. در روز پنطیکاست، بعد از نزول روح‌القدس که در واقع روز تولد کلیسا هم بود، تعداد آن جمع کوچکی که در بالاخانه جمع می‌شد، به سرعت رو به افزونی گذاشت. بسیاری از یهودیان در مقابل پیام پطرس و دعوت او به توبه (اعمال ۲: ۱۴ - ۴۰) واکنش مثبت نشان دادند. در این مورد چنین می‌خوانیم: «پس ایشان کلام او را پذیرفته، تعمید گرفتند و در همان روز تخمین سه هزار نفر بدیشان پیوستند.» (آیه ۴۱).

سپس لوقا در مورد این مومنین جدید می‌گوید: «و در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می‌نمودند.» (آیه ۴۲). در این آیه در واقع از دو عملکرد مداوم سخن می‌رود. **تداوم در تعلیم رسولان.** اول، این افراد خود را به تعلیم رسولان سپرده بودند. رسولان عملا از جانب روح‌القدس عطا داشتند که حقیقت ابدی خدا را با مردم در میان گذارند و به آنها تعلیم دهند. عیسی به آنها فرموده بود که «تسلی دهنده دیگری» (یوحنا ۱۴: ۱۶) برای آنها خواهد فرستاد. عیسی این تسلی دهنده را با عنوان «روح حقیقت» مشخص ساخت (آیه ۱۷) که «همه چیز» را به آنها خواهد آموخت و همه چیز را به یاد آنها خواهد آورد (آیه ۲۶).

لوقا در اعمال ۲: ۴۲ گام اول به انجام رسیدن این وعده را توصیف می‌کند. رسولان پر و الهام گرفته از روح القدس قادر به تعلیم حقیقت خدا هم بودند. خدا به طرقي معجزه‌وار اذهان آنها را لمس نمود و آنها را قادر نمود که تمامی شنیده خود را از عیسی به خاطر آورند و با دیگران در میان گذارند. آنها نه فقط این مطالب را به یاد آوردند، بلکه آنها به درستی هم فهمیدند. علاوه بر آن، روح القدس آنها را قادر ساخت که حقایق بیشتری را تعلیم دهند. عیسی به آنها فوموده بود که چیزهای زیادی برای گفتن به آنها دارد، و آنها قدرت درک و قبول آنها را نداشتند. و ادامه داده بود: « لیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد.» (یوحنا ۱۶: ۱۲).

باز وعده عیسی جامه عمل پوشید. در آن روز در اورشلیم، رسولان از جانب روح القدس هدایت شده کلام خدا را تعلیم دادند. و در آینده قرار بود تعالیم بیشتری را نه به صورت گفتاری، بلکه نوشتاری تعلیم دهند. و در نتیجه آن هم عهد جدید را اکنون به دست داریم. در واقع عهد جدید از نوشته‌های رسولان تشکیل شده است، رسولانی چون پطرس، یوحنا، و پولس که بعدها مبشر بزرگ در میان غیر یهودیان شد. عهد جدید اساساً «تعالیم رسولان» می‌باشد.

پس این مومنین جدید خود را به تعلیم رسولان سپرده بودند. واژه‌ای که در عهد جدید یونانی، لوقا در توصیف روند آموزش این مومنین به کار می‌برد، همانی است که او در ۱: ۱۴ به جهت توصیف روند دعای آنها به کار برد. در واقع ترجمه قدیمی چنین می‌نویسد: « و در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می‌نمودند.»

تداوم در مشارکت. دومین عملکردی که مسیحیان اورشلیم خود را با آن درگیر نمودند، مشارکت بود که در خود دو تجربه دیگر را نیز داشت. از این رو نیز چنین می‌خوانیم: «در مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می‌نمودند.» (آیه ۴۲). لوقا در این قسمت از دو عملکرد مربوط به هم سخن می‌گوید: شام خداوند و دعا.

اولی به یاد آوردن بدن شکسته و خون ریخته شده خداوند را در بر دارد که با صرف غذای دستجمعی صورت می‌گیرد. در همان بالاخانه‌ای که عیسی از فرستادن «تسلی دهنده دیگر» وعده داده بود، معنایی جدید و عمیق از شام فصیح را به آنها نشان داد. نان را (که قسمتی از شام آن شب بود) برداشت، آن را پاره کرد، و در میان رسولان خود قسمت نمود و به آنها فرمود: « این است جسد من که برای شما داده می‌شود، این را به یاد من به جا آرید.» (لوقا ۲۲: ۱۹). سپس بعد از شام، پیاله بخصوصی از شراب را با آنها قسمت نمود و گفت: « این پیاله عهد جدید است در خون من که برای شما ریخته می‌شود.» (آیه ۲۰).

زمانی که عیسی به آسمان صعود فرمود، این یکی از آن حقایق عمیقی بود که روح القدس به یاد رسولان آورد. گرچه قبلاً آنچه را که مسیح فرموده بود، به درستی درک نکرده بودند، اینک به وضوح عمق این سخن او را درک و آن را به دیگر مسیحیان نیز تعلیم می دادند.

در آن روزهای آغازین، شام پیچیده فصیح که سالی یکبار توسط یهودیان وفادار اجرا می شد، عملی بسیار معمول در میان مسیحیان گردید. آن شام پیچیده با آن جزئیات دقیق، جای خود را به شام روزانه معمول داد. در زمینه زندگی نیمه اجتماعی آن افراد در اورشلیم، از همان عناصر معمول در شام استفاده می شد تا بدن شکسته و خون ریخته شده مسیح را به یاد آورند. یکی از دلایلی هم که باعث معمول شدن این تجربه در مشارکتهای آنها شد، همین بود.

دومین جنبه عملکرد این مشارکت، دعا بود و همانطور که قبلاً هم اشاره شد، دعا در این شام با هم بخش پیچیده و مهمی را به خود تخصیص داد. درک این مطلب زیاد هم دشوار نیست، چرا که داشتن جلسات خصوصی در منازل توسط امپراطوری رم غیرقانونی اعلان گردید و مسیحیان را مجبور نمود که جلسات خود را در اماکن عمومی برپا کنند. در نتیجه، آن زمینه خصوصی و صمیمی منازل که می توانستند شام را با هم صرف کنند و خداوند را به یاد آورند، جای خود را به شامی بسیار ساده تر داد. لیکن این امر به هیچوجه معنای حقیقی شام خداوند را از آن نمی زداید و باعث هم نمی شود که از اهمیت دعا به عنوان بخشی مداوم از این تجربه دستجمعی کاسته شود. بنابراین می بینیم که دعا تنها عملکردی نیست که مسیحیان باید خود را در آن به شکلی دائمی درگیر کنند. ما به فرصتهایی مداوم و مرتب احتیاج داریم تا:

- کلام خدا را یاد بگیریم.
- بدن شکسته و خون ریخته شده عیسی را به یاد آوریم.
- با یکدیگر دعا کنیم.

از آنجا که این عملکردها با هم متداخل و در هم تنیده اند، همه آنها به مراتب معنایی عمیقتر پیدا می کنند و کمک بیشتری را فراهم می سازند. دعا وسیله ای می گردد که بدان عمیقترین افکار و احساسات خود را به خدا تقدیم می کنیم. بعلاوه، همین زمینه هم هست که دعا را حیاتی، پویا، و حقیقتاً با معنی نگه می دارد.

**کلام خدا تعلیم نمی دهد که دعای مداوم تکرار مکررات است.**

مسیحیان در طول تاریخ شکل های مختلفی از دعا را به عمل کشیده اند. در زمان بچگی، آنطور که به یاد دارم، کنار رختخواب خود زانو زده و چنین دعا می کردم:

حال که آماده خوابیدن هستم،  
 به حضور خداوند دعا می‌کنم که حافظ جانم باشد.  
 اگر در خواب بمیرم،  
 به حضور خداوند دعا می‌کنم که جانم را در دستهای خود بگیرد.

در واقع بارها شده بود که به هنگام خواب این کلمات از دهانم بیرون می‌آمد: «مریم برّه کوچکی داشت.»

مسلمانا چیز غلطی در تکرار دعاهایی که کلمات خوبی در آن هستند، وجود ندارد. خود مسیح برای ما دعای زیبایی باقی گذاشته است که در طول قرون از جانب مسیحیان متعهد و سرسپرده بارها تکرار شده است. ولی زمانی که عیسی این دعا را با شاگردان در میان گذاشت، به ایشان این را نیز اخطار نمود: «و چون عبادت کنید، مانند امت‌ها تکرار باطل نکنید زیرا ایشان گمان می‌برند که به سبب زیاد گفتن مستجاب می‌شوند. پس مثل ایشان مباشید زیرا که پدر شما حاجات شما را می‌داند پیش از آنکه از او سوال کنید.» (متی ۶: ۷-۸).

منظور عیسی از این سخن چیست؟ منظور اصلی عیسی بی‌معنی بودن و یا تکرار «باطل» آن بود. مذاهب دیگر غالباً به ترویج دعاهایی دست می‌زنند که مردم را برای مدتی طولانی و سخت به دعا نگه می‌دارد. این مذاهب بر این باور هستند که «هر چه بلندتر و طولانی‌تر دعا کنند، شانس بیشتری در دریافت مسئلت خود خواهند داشت.»

انبیای بعل در کوه کرمل نمونه کلاسیک این نوع دعا هستند. ایلایای نبی آنها را به مبارزه‌ای روحانی خوانده بود تا بدین ترتیب مشخص دارند که خدای واحد حقیقی کیست. آزمایش واقعی با آتشی بود که در جواب به دعا از آسمان نازل می‌شد.

انبیای بعل با این دعوت موافقت کردند. تمامی روز «نام بعل را خواندند.» فریاد می‌کشیدند و «بر مذبحی که ساخته بودند، جست و خیز می‌نمودند.» ایلایا آنها را تشویق می‌نمود که بلندتر فریاد کنند و آنها هم می‌کردند. لیکن فایده‌ای نداشت.

آنگاه ایلایا نام خدا را خواند. دعای او ساده و مستقیم بود: «ای یهوه، خدای ابراهیم و اسحاق و اسرائیل، امروز معلوم بشود که تو در اسرائیل خدا هستی و من بنده تو هستم و تمام این کارها را به فرمان تو کرده‌ام. مرا اجابت فرمای خداوند! مرا اجابت فرما تا این قوم بدانند که تو یهوه خدا هستی و اینکه دل ایشان را باز پس گردانیدی.» (آیات ۳۶ و ۳۷)

خدا دعای ایلیا را مستجاب نمود. آتش از آسمان نازل شد! تکرار مکررات مداوم و باطل انبیای بعل به جایی نرسید. و البته دلیل اصلی آن هم این است که به حضور «بت‌ها» که وجودی خارجی نداشتند، دعا می‌کردند.

نمونه معاصر این نوع دعا را می‌توان در دعاهای افرادی یافت که به کیش هارا کریشنا تعلق دارند. گرچه این روزها برخلاف چند سال قبل، در ملاً عام دست به دعا نمی‌زنند، لیکن در دعاهای خود اغلب وردها و سرودهای مکرر می‌خوانند و بر این باور هستند که در این تکرارها ارزشی روحانی نهفته است.

در این مورد نمونه دیگری از بودیست‌های تبت وجود دارد. آنها دعاها را بر چرخ دعا نوشته‌اند. در حینی که این چرخ بر محور خود می‌گردد، بر این باورند که گردش این چرخ ارزشی مؤثر دارد. به دیگر سخن، چرخش مداوم چرخ به حضور خدایان دعاها برمی‌افرازد.

زمانی که این تکرارهای عبث و بیهوده را می‌بینیم، به خوبی منظور عیسی را از این سخن می‌فهمیم: «و چون عبادت کنید، مانند امت‌ها تکرار باطل مکنید زیرا ایشان گمان می‌برند که به سبب زیاد گفتن مستجاب می‌شوند.» (متی ۶: ۷). خدای حقیقی و زنده علاقه‌ای به شنیدن «حرفهای توخالی» ندارد. او بیشتر به دنبال امیال صادق، انگیزه‌ها، و منشهای قلب ما است.

ویلیام هندریکسون به این مطلب اشاره دارد که «بسیاری از دعاهای کوبنده و غیرتی تبت در کتاب مقدس همه دعاهایی کوتاه هستند.» و این سخن خود را با نمونه‌هایی از موسی (خروج ۳۲: ۳۱ - ۳۲)، سلیمان (۱ پادشاهان ۳: ۶ - ۹)، حزقیا (۲ پادشاهان ۱۹: ۱۴ - ۱۹)، یعیص (۱ تواریخ ۴: ۱۰) و آغور (امثال ۳۰: ۷ - ۹)، باجگیر (لوقا ۱۸: ۱۳)، دزد در حال مرگ (لوقا ۲۳: ۴۲)، استیفان (اعمال ۷: ۶۰)، و پولس (افسیان ۳: ۱۴ - ۱۹) تمثیل می‌کند. و نیز توجه ما را به جملات دعاوار نحمیا فرا می‌خواند (نحمیا ۴: ۴ و ۵، ۵: ۱۹، ۶: ۹، ۱۳: ۱۴ و ۲۹ و ۳۱). حتی دعاهای مسیح نیز کوتاه و مستقیم هستند (یوحنا ۱۷، متی ۶: ۹ - ۱۳، لوقا ۱۱: ۲ - ۴).

### این مطلب چه چیزی را می‌رساند

در این صورت، این نمونه مسیحیان اورشلیم برای ما چه چیزی را می‌رساند؟

### دعای مداوم یعنی دعای مداوم با دیگر مسیحیان

شکی نیست که خداوند برای مسیحیان اورشلیم در نظر داشت که نمونه‌ای برای تمامی مسیحیان در طول تاریخ باشند. گرچه شرایط مختلف در درجه و غلظت دعا اثر داشت، لیکن از نوشته‌های

عهد جدید به خوبی معلوم است که آنچه که در اورشلیم اتفاق می‌افتاد، قرار بود که روندی مداوم باشد. مثلاً، در قسمتهای عملی نوشته‌های پولس او مسیحیان را توصیه می‌کند که دعای دستجمعی را در زندگی خود به بخشی دائمی و مداوم تبدیل کنند. به رهنمودهای او دقت کنید:

- در امید مسرور و در مصیبت صابر و در دعا مواظب باشید. (رومیان ۱۲: ۱۲)
- و با دعا و التماس تمام در هر وقت در روح دعا کنید و برای همین به اصرار و التماس تمام بجهت همه مقدسین بیدار باشید. (افسیان ۶: ۱۸)
- برای هیچ چیز اندیشه نکنید، بلکه در هر چیز با صلوات و دعا با شکرگزاری مسولات خود را به خدا عرض کنید. (فیلیپیان ۴: ۶)
- در دعا مواظب باشید و در آن با شکرگزاری بیدار باشید. (کولسیان ۴: ۲)

جوهر اصلی تمامی این رهنمودها توصیه‌ای است که مسیحیان را در مقام یک بدن به داشتن دعای مداوم دعوت می‌کند. از خود متن به خوبی معلوم است که پولس دعای دستجمعی را در نظر دارد. این سخن به این معنی نیست که پولس اهمیتی به دعای شخصی نمی‌دهد، لیکن تأکید او بر آن است که مسیحیان با هم به جهت دعا جمع شوند، درست به همان شکل که کلیسای اورشلیم می‌کرد.

دعای مداوم محتاج به داشتن منش دعا است. برای آن فرد مسیحی که فکر و قلبش بر کلام و اراده خدا متمرکز است، همان منش و افکار قلب، خود دعا می‌گردد. در این مفهوم، ما به راستی می‌توانیم «همیشه دعا کنیم.» (۱ تسالونیکیان ۵: ۱۷)

«تئودور. ل. کایلر» نسبت به این مطلب چنین می‌نویسد: «برخی از مردم چنان است که گویی دعا را تمرین و تکرار مجموعه از قبل ترتیب یافته کلمات تلقی می‌کنند، کلماتی که از کتابمقدس و یا نوشته‌های مذهبی آموخته شده است. و زمانی هم که گفته می‌شوند، عمق این کلمات تا همان انتهای دهان است و فراتر نمی‌رود. دعای اصیل گفتگوی مستقیم روح ایماندار با خدا است. «فیلیپ بروس» آن را چنین خلاصه می‌کند: «آمال و آرزوی اصیل ارسال شده به خدا.»

زمانی که ارتحشستای پادشاه از نحما سوال کرد که چگونه می‌تواند او را در حل مشکل اورشلیم یاری کند، نحما این نوع دعا را از خود تمثیل نمود. او فرصت این را نداشت که برای جواب به سوال پادشاه در خلوت به دعا بنشیند. لیکن چنین می‌خوانیم: «آنگاه نزد خدای آسمانها دعا نمودم و به پادشاه گفتم.» (نحما ۲: ۴ - ۵) دعا و جواب نحما چنان به هم تنیده است که گویی هر دو در یک زمان صورت می‌پذیرند. در اصل چنین هم بود، زیرا همان علاقه به دادن جواب مناسب و درست، دعای نحما گردید. خدا از قلب او خبر داشت.

دعای مداوم محتاج دیسپلین شخصی هم هست. در زندگی چیزهای اندکی هستند که به شکل طبیعی و به راحتی صورت پذیرند. و مطمئناً دعا یکی از آنها نیست. «دیک ایستمن» در کتاب «راه دشوار» در مورد این مطلب چنین می‌نویسد: «برای یادگیری دعا باید دعا کرد. ما عمیقترین عمق دعا را در خود دعا یاد می‌گیریم، نه از خواندن کتابها. ما به اوج بلندترین نقطه دعا در خود دعا دست می‌یابیم، نه از طریق موعظه‌ها. تنها جای یادگیری دعا، در دعا کردن است، اینکه به زانو بشکنیم و دعا کنیم. یاد گرفتن دعا شبیه یادگیری شغل و حرفه است. باید در آن شاگردی کنیم تا یاد بگیریم. برای تبدیل به یک دعاگر ماهر توجه مداوم، فکر، عمل، و زمان دادن لازم است.»

## مبارزه

کتابمقدس مشخص نمی‌کند که در دعا چقدر باید وقت صرف کرد. درجه و غلظت دعا با توجه به احتیاجات و مسئولیتها و دعوتهایی که از خدا برای زندگی خود داریم، فرق می‌کند. لیکن کتابمقدس این مطلب را به وضوح روشن می‌کند که همه مسیحیان باید به شکل مداوم دعا کنند. این دعا باید بخشی مداوم و مرتب در زندگی روزانه ما باشد، چه به شکل فردی و چه به شکل دستجمعی.

با این سوالات تداوم دعا را در زندگی خود ارزیابی کنید:

- به چه طریقی می‌توانم در دعا بیشتر تداوم داشته باشم؟
- چه می‌توانم بکنم تا منش دعا بخشی طبیعی در شیوه زندگی من باشد؟
- چه چیزهای بخصوصی باید انجام دهم تا در دعا بیشتر منضبط باشم؟

## یک لیست

لیست فعالیتهای زیر می‌تواند شما را در بهبود تداوم دعاهایتان کمک کند:

- ۱- در جلسات دعای هفتگی شرکت کنید.
- ۲- دفترچه دعا برای خود داشته باشید.
- ۳- در رابطه با فعالیتهای روزانه در جا دعا کنید و از خدا هدایت بطلبید. این امر را باید تمرین کنید و گرنه قادر به آن نخواهید بود.
- ۴- رومیان ۱۲: ۱۲، افسسیان ۶: ۱۸، فیلیپیان ۴: ۶، و کولسیان ۴: ۲ را حفظ کنید.
- ۵- در رابطه با دعا کتابهای مفید بخوانید.

- ۶- با دوستی قرار بگذارید که با تلفن با یکدیگر دعا کنید.
- ۷- اگر پدر و یا مادر خانواده هستید، در سر میز غذا و هنگام خواب با فرزندان خود دعا کنید. و نیز به دنبال فرصتهایی باشید که در جا برای چیزهای مختلف دعا کنید.
- ۸- یک روز را به دعا اختصاص دهید
- ۹- غیره:

خداوندا، کمکم کن که در دعا وفادار باشم. کمکم کن که در روح در همه حال با انواع و اقسام دعاها و استغاثه‌ها دعا کنم. می‌خواهم خود را به دعا وقف کنم، مواظب باشم و همیشه شکرگزار.

## دعا برای دیگران

از کتاب «دعوتی برای تجدید حیات روحانی» به قلم دی. آ. کارسون

اگر از نمونه پولس تبعیت کنیم، اهمیت دعا برای دیگران را به هیچوجه ندید نخواهیم گرفت. دعا هرگز تا به آن درجه سقوط نخواهد کرد که با خواندن سرودها و تمجیدها صرفاً برای خود قوت کسب کنیم و یا با انداختن نگرانیهای و بار خود بر خدای قادر مطلق احساس سبکی نماییم. دعا ممکن است همه اینها را در بر گیرد و حتی بیشتر هم؛ لیکن اگر دعا کردن را از پولس یاد بگیریم، دعا کردن برای دیگران یاد خواهیم گرفت. این را قسمتی از وظیفه خود خواهیم دید که بخاطر برخی با شکرگزاری، و به خاطر برخی دیگر با شفاعت به حضور خدا بیاییم. به سخنی کوتاه، دعاهای ما از این امیال ما شکل خواهند گرفت که آنچه را که بهترین برای قوم خدا است، بجوییم. در این مورد به دو مطلب باید توجه کرد. اول، در تعریف آنچه که بهترین است، باید به تعریفی که خدا از آن دارد، مطیع گردیم. این سخن در واقع اهمیت این مطلب را به ما یادآور می‌شود که به دعاهایی که در کتابمقدس ثبت شده‌اند، گوش دهیم تا آنچه را که از نظر خدا بهترین به شمار می‌رود، تشخیص دهیم. درست به همان شکل که باورهای ما نسبت به خدا باید با مطالب کتابمقدس شکل گیرد، دعاهای ما نیز باید از چگونگی روابط ما با دیگران و ارزشهای بنیادینی که داریم، شکل پذیرند. ما را لازم است که به دعاهایی که پولس برای دیگران دارد برویم و میزان این دعاها را مشخص کنیم و ببینیم که پولس به جهت آنها غالباً برای چه چیزهایی دعا می‌کرد و نتایج آن را با نتایج دعاهایی که خود می‌کنیم، مقایسه نماییم.

دعا برای دیگران مستلزم آن است که قلوب خود را به امتحان کشیم. چگونه می‌توانیم برای دیگران دعا کنیم، در حالی که نسبت به آنها در قلوب خود رنجش داریم؟ مانع امری فراتر از مانع روانی است. مشکل در آن است که زمانی که نسبت به کسی تلخ هستیم، نمی‌توانیم خود را در جایی قرار دهیم که برای او شفاعت کنیم. مانع واقعی این است. برای آنها که در دل نسبت به آنها رنجش داشته‌اید، چقدر دعا می‌کردید؟ لیکن مانعی عمیقتر از این هم وجود دارد. خود خدا اشعار بر آن می‌دارد که گناه اعتراف نشده رابطه ما را با او قطع خواهد کرد و صدای او را نخواهیم شنید. «هان دست خداوند کوتاه نیست تا نرھاند و گوش او سنگین نی تا نشنود. لیکن خطایای شما در میان شما و خدای شما حایل شده است و گناهان شما روی او را از شما پوشانیده است تا نشنود.» (اشعیا ۵۹: ۱ - ۲).

گناھانی که ما را از دعای مؤثر مانع می‌شوند، در زندگی ما آن وضعیت بد را ایجاد می‌کنند که توسط ملاکی نبی محکوم می‌گردد (ملاکی ۱: ۶ - ۱۴)، وضعیتی که در آن بهترینها به خدا تقدیم

نمی‌گردند؛ اشکهای تمساح وار توبه در حالی که زندگی‌ها در زنا و طلاق غوطه می‌خورند (ملاکی ۲: ۱۳ - ۱۶)، نبود ترس از خدا که خود باعث فساد و ظلم و ستم بر فقیران و بیچارگان می‌گردد (ملاکی ۳: ۵)، اشتیاق زیاد به جهت تبعیت از طرق مغرورین و شروران در جامعه و پرورش این تفکر که خدمت به خدا چیزی باطل و عبث است (ملاکی ۳: ۱۳ - ۱۵). عجیب نیست که خدا به هیچوجه با دعای افرادی که چنین رفتار می‌کند، حرکتی نمی‌کند.

لیکن آنچه که اغلب ما را از شفاعت موثر باز می‌دارد، تلخی عمیقی است که از رنجش و دلخوری سرپوش گذاشته شده و نیاز مذبحخانه به بخشش تغذیه می‌کند. علیرغم تعلیم خود خداوند ما عیسی که می‌فرماید: «زیرا هرگاه تقصیرات مردم را بدیشان بیامرزید، پدر آسمانی شما، شما را نیز خواهد آمرزید. اما اگر تقصیرهای مردم را نیامرزید، پدر شما هم تقصیرهای شما را نخواهد آمرزید.» (متی ۶: ۱۴ - ۱۵)، این امر چیزی به چیزی عادی در میان ما تبدیل گشته است. حال آنکه عیسی کماکان در این رابطه می‌گوید: «و وقتی که به دعا بایستید، هرگاه کسی به شما خطا کرده باشد، او را ببخشید تا آنکه پدر شما نیز که در آسمان است، خطایای شما را معاف دارد.» (مرقس ۱۱: ۲۵). به راستی هم که اگر چیزی از بخشش بی‌انتهای پدر تجربه کرده باشیم، رحمت او باید معیار رحمت ما نیز باشد. «و با یگدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است.» (افسیان ۴: ۳۲، کولسیان ۳: ۱۳).

اگر در مورد تجدید حیات زندگی روحانی خود به ویژه آن قسمت که مربوط به حیات دعای شما می‌شود، کار را باید از قلب خود شروع کنید. گناه اعتراف نشده، گناه پرورش یافته، همیشه بین خدا و آنها که آنها را به صورت خود آفریده است، مانع خواهد بود.

درست است که زمانی که به جهت تمیز کردن روابطی که در گذشته به سردی گراییده‌اند، تلاش می‌کنیم، آن طرف دیگر در این مورد سرسختی نشان می‌دهد. ولی این دیگر موضوعی بین او و خدا است؛ من و شما باید مواظب قلب خود باشیم.

این در رابطه با آن خطاهایی هم مصداق دارد که تقصیر آن خطا کاملاً به گردن طرف مقابل است. چندی پیش شبانی به خانمی مشورت می‌داد که بیست سال قبل به مدت چهار سال از جانب پدر خود تحت تجاوز قرار می‌گرفته است. پدر او نهایت به زندان افتاد. زخمهایی که این واقعه بر شخصیت و ایمان این خانم گذاشته بود، بیست سال بعد خود را نشان می‌داد. شوهر خود او از این مطلب خبر نداشت و از این رو هم نمی‌توانست آن حمایت و درکی را که لازم بود، به او عرضه دارد. زندگی‌شان کاملاً در انزوا بود، و ایمان آن زن چنان خشک شد که امکان دعا دیگر برای او نماند و پرستش هم امری سطحی و تقلیدی گردید.

همانطور که آن زن و شبانش روی این زمینه با هم کار می‌کردند، یکی از گامهای مهمی که این زن می‌بایست برمی‌داشت، بخشیدن پدرش بود. این سخن به این معنی نبود که تقصیر پدرش را خود به گردن گیرد. این سخن به این معنی بود که با تلخی و خشمی که نسبت به پدر خود در قلب خود داشت، روبرو شود و آن را از میان بردارد. برای انجام این امر، او نیاز به بخشش خداوند داشت؛ و در این زمینه او محتاج بود که پدر متجاوز خود را ببخشد. این بخشش می‌بایست بطور کامل و بدون هیچ قید و شرطی می‌بود و به خود پدر نیز ابراز می‌شد. مهم نبود که پدر در مقابل اینکار با پشیمانی و توبه واکنش نشان دهد و یا با توجیه و بهانه و خشم از خود دفاع کند. در واقع پدر آن زن واکنش دوم را از خود نشان داد و سهمی را که این زن می‌بایست انجام می‌داد، ابدًا آسان نمود. ولی خدا به او قدرت داد که ببخشد و آن بخشش نقطه‌ای قطعی در زندگی او شد و او را به احیای رابطه از هم گیسخته خود با شوهر و خداوند هدایت نمود؛ شادی‌اش در خداوند از سر نو برقرار گردید و قدرت دعا به حضور خداوند را پیدا کرد.

البته این اصل فقط در امر تلخی‌های ناشی تجاوزات جنسی مصداق نیست، بلکه در همه جوانب زندگی ما مصداق دارد. چگونه می‌توانیم برای کلیسای خود شفاعت کنیم، در حالی که برخی از اعضای آن را مخفیانه تحقیر می‌نماییم؟ چگونه می‌توانیم به جهت تجدید حیات روحانی دعا کنیم، حال آنکه بیشتر به دنبال برکاتی سطحی هستیم، نه تغییر بنیادین در زندگی مردم و احیای رابطه روحانی آنها با خدا؟ اگر در قلب خود به تلخی و رنجش آشیانه داده‌ایم، دعا چیزی جز تلف کردن وقت و انرژی نخواهد بود.

قبل از اینکه به مطلب ادامه دهیم، وقت آن رسیده است که قلوب خود را امتحان کنید؛ با صداقت و با فروتنی. اینکار را همیشه می‌توان انجام داد، ولی آن را به ویژه زمانی باید انجام دهیم که می‌خواهیم به حضور خدا شرفیاب شویم، خدایی که قدوسیت و بخشش بی‌همتای او معیاری پابرجا برای قوم او است.

## شکل بفشی به پاسخ

۱- همه ما بدون شک با اهمیت دعای دستجمعی در کلیساهایمان موافق هستیم. با این وجود، ابقای جلسات دعا برای کلیساها اولویت دشواری به نظر می‌رسد. علت این امر را در چه می‌بینید؟ تعهد متعادل و سالم نسبت به دعای دستجمعی به چه مانند خواهد بود؟

۲- لیستی را که «جین گتز» در انتهای مقاله خود عرضه می‌دارد، مرور کنید. دو مورد از این لیست را که در طی ماه روی آن کار خواهید کرد، بنویسید.

۳- از میان دعاهای پولس که در زیر آمده است، یکی را انتخاب و آن را هفته بعد در کلیسای خود برای افراد دعا کنید: رومیان ۱۵: ۵، افسسیان ۱: ۱۵ - ۲۳، افسسیان ۳: ۱۴ - ۲۱، کولسیان ۱: ۳ - ۱۴.

## بحث موضوع

۱- شما خود چگونه برای دیگران دعا می‌کنید؟ آیا این تعهد را آسان می‌یابید، یا سخت؟

۲- همه ما همانند حامد زندگی مشغولی داریم. چگونه می‌توانیم در این برنامه‌های شلوغ نسبت به دعای دستجمعی اولویت دهیم؟

۳- رابطه بین دعا و بشارت چیست؟ (به مطالعه خود در کولسیان ۴: ۲ - ۶ مراجعه کنید).

۴- «جین گتز» می‌گوید: «کتابمقدس مشخص نمی‌کند که در دعا چقدر باید وقت صرف کرد... لیکن کتابمقدس این مطلب را به وضوح روشن می‌کند که همه مسیحیان باید به شکل مداوم دعا کنند. این دعا باید بخشی مداوم و مرتب در زندگی روزانه ما باشد، چه به شکل فردی و چه به شکل دستجمعی.» جهت انجام این عمل چه گامهای عملی می‌توانیم اتخاذ کنیم؟

۵- نظر شما در رابطه با آن مشورتی که شبان به آن خانم داد، چیست؟ دعا برای دیگران، به ویژه برای آنها که به ما صدمه می‌زنند، چه اثری در روابط ما با آنها دارد؟

۶- فواید دعا کردن دعاهای کتابمقدس برای دیگران چیست؟

۷- به کدام گامهای عملی کلیسا می‌تواند دعای دستجمعی را اعتلا بخشد؟

## گامهای به بخت اطاعت

۱- این موضوع، فکر اصلی شما را چگونه عوض کرده است؟ افکار خود را در زیر خلاصه کنید

۲- آن را چگونه به عمل خواهید کشید؟ (کی، چه کسی، کجا، و غیره)

۳- خود را متعهد کنید: در رابطه با موضوع برای خود اهدافی مشخص و آن را با گروه و یا سر گروه در میان گذارید.

به کمک خدا، من:

